



دورهمی به صرف چای و قهوه

چهارمین نشست مرکز تهران شناسی همشهری با عنوان «قهوه‌خانه‌های تهران در گذر زمان» با حضور کارشناسان برگزار شد

۱۸



روزگار رفته یوز باشی

معروف‌ترین و زیباترین پاتوق سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دهه ۳۰

۲۰

همیشه‌ری تهران



از هفت کچلون تا رمضون یخی

مقصد دهمین تور تهرانگردی مرکز تهران شناسی همشهری، قهوه‌خانه‌های قدیمی پایتخت بود

گزارش
ثریا روزبهانی
روزنامه‌نگار
قهوه‌خانه در گذشته‌ای نه چندان دور نهادی سنتی و

اجتماعی بود که بسیاری از تعاملات و اتفاقات مهم در آن شکل می‌گرفت و پاتوق اندیشمندان، ادبا، سخنوران، عیاران و اصناف بود. در این مکان علاوه بر اینکه اخبار روز رد و بدل می‌شد دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی،

اقتصادی و فرهنگی مطرح آن زمان را تحلیل و بررسی می‌کردند. مهم‌تر از همه گره‌گشایی‌های بزرگی بود که در این پاتوق‌های مردمی رخ می‌داد. مقصد دهمین تور تهرانگردی مرکز تهران شناسی همشهری قهوه‌خانه‌های

نام آشنای پایتخت است که هنوز هم می‌توان ردی از گذشته در آنها پیدا کرد. در این تور ادرشیر آل عوض، محقق فرهنگ عامه و محمود منبئی تهران‌پژوه ما را همراهی کردند.



دریچه

راه و رسم کاسبی

روایت گردشگر
محبت‌الاسلام حسین کانلم‌زاده
عضو خانه طلاب جوان

تمدن‌سازی قهوه‌خانه‌ای

ماجرای شکل‌گیری قهوه‌خانه در ایران، حاکی از روحیه تمدن‌سازی ایرانیان است؛ تمدنی همراه با آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی، با عمق و روح اسلام و هنر مخصوص ایرانیان. قهوه‌خانه در ایران براساس یک نیاز مشخص در میان مردم به‌وجود آمد؛ نیاز به ارتباط و گفت‌وگوهای جمعی.

محل دورهمی‌های مردم فرهنگ ایرانی اساساً برون‌گرا و اهل جمع و جماعت است. اصناف مختلف هم برای جلسات عمومی و تجمعات خود نیاز به یک فضای مناسب داشتند و این نیاز را قهوه‌خانه می‌توانست برآورده کند. به همین جهت بود که این نهاد در عصر صفوی به سرعت شکل می‌گیرد و در عصر ناصری هم به اوج خود می‌رسد. قهوه‌خانه محل گردها و دورهمی‌های مردم با انگیزه‌های مختلف می‌شود. از اخبار محله و شهر و کشور و دنیا در همین قهوه‌خانه‌ها مطلع می‌شدند. تصمیمات صنفی در این دورهمی‌ها گرفته می‌شد. این نیاز که منجر به شکل‌گیری یک نهاد اجتماعی در ایران می‌شود، به سرعت به هنر و آداب و رسوم ملی مذهبی وارد می‌شود.

آداب خوردن و نوشیدن



همه‌امورات در قهوه‌خانه‌ها خط‌مشی مشخصی داشت؛ حتی خوردن و نوشیدن. ادرشیر آل عوض، محقق فرهنگ عامه، درباره این آداب می‌گوید: «در قهوه‌خانه دمنوش‌ها و قهوه‌خانه‌داری‌ها و سردنوش‌هایی داشتیم که در ساعت‌های مناسب سرو می‌شد. همچنین یکی از غذاهایی که مردم در قهوه‌خانه می‌خوردند دیزی بود که خوردنش سازوکار خاص خودش را داشت. مثلاً قهوه‌خانه‌دارها معتقد بودند کسی که می‌خواهد دیزی بخورد اول باید نان را خرد کند و بعد آب‌گوش را روی آن بریزد تا دچار نفخ معده نشود.»

اجرای نمایش



اجرای نمایش از دیگر وجوه فرهنگی و اجتماعی حائز اهمیت در قهوه‌خانه‌ها در زمان گذشته بود. صحنه نمایش قهوه‌خانه‌ای معمولاً یک سن بزرگ یا یکی دو تخت چوبی بود که در میانه قهوه‌خانه می‌گذاشتند و موضوع نمایش‌ها هم داستان‌های تاریخی، حماسی یا بزمی بود و بیشتر از داستان‌های شاهنامه فردوسی یا خمسه نظامی یا از نمایش‌های داستان‌های کهن ایرانی همچون بیژن و منیژه، رستم و سهراب، یوسف و زلیخا، شیرین و فرهاد تقلید می‌شد.

پژوهش بزرگ دختر ۱۴ساله



شاید برایمان جالب باشد که بدانید درباره موضوع نقاشی در قهوه‌خانه‌ها دکتر سهیلا نجم در سال ۱۳۵۰ و زمانی که ۱۴سال بیشتر نداشت شهر به شهر گشته و کلی تحقیق و پژوهش کرده است. او بیش از ۲هزار ساعت صدا در مورد نقالی‌هایی که هیچ‌گاه صدایشان ضبط نشده و در قید حیات نیستند، ضبط کرده و مجموعه تجربیات آنها در کتابی با عنوان «هنر نقالی در ایران» گردآوری شده فرهنگستان هنر این کتاب را منتشر کرده است. این کتاب در خارج از کشور هم طرفداران و مخاطبان بسیاری دارد.

نخستین مقصد، خیابان مولوی، کوچه پیرمرادی است؛ قهوه‌خانه‌ای که ۷برادر نام آن را در هویت پایتخت‌مانندگار کردند، اما حالا به رستوران تبدیل شده است. روزگاری یک محله باغ فردوس بود و ۷برادر که اهالی روی سرشان قسم می‌خوردند منبئی، از جایگاه و نقش قهوه‌خانه‌ها، روایت می‌کند: «قهوه‌خانه‌ها کارکرد رسانه‌ای داشتند و محل تجمع افراد مهم بودند که در آنها نقالی و نقاشی قهوه‌خانه‌ای هم رونق داشت. در واقع این مکان‌ها مرکز شعر و شاعری بود و به همین خاطر شاعران و هنرمندان متعددی در آنها رفت‌وآمد می‌کردند.»

ادرشیر آل عوض، تهران‌پژوه، در میان هیاهوی مشتریان و گارسن‌هایی که سفارش‌ها را روی میز مستری می‌گذارند، داستان زندگی و کسب‌وکار این برادران را تعریف می‌کند: «در تهران قدیم اغلب آدم‌ها را با لقب صدا می‌کردند. محمد، مهدی، عباس، صفر، شعیبان، غلامعلی، احمد و امیر عباسی یا هفت کچلون ۸پسر حاج عباسی بودند، اما به‌خاطر اینکه در نوجوانی و جوان‌ناتاز برادرها موهای خودشان را از ته می‌زدند و در معرکه‌گیری‌ها شرکت می‌کردند، به هفت کچلون معروف شدند و این نام روی آنها باقی ماند.»

هر کسی نام هفت کچلون حاج‌عباسی را در بازار می‌برد برایش اعتبار می‌شد. آنطور که قدیمی‌ها تعریف می‌کنند یکی از جوانان محله که می‌خواست کار و کاسبی راه بیندازد به بازار می‌رود و از یکی از کسبه بازار جنس نسیه می‌خواهد او وقتی می‌گوید بچمه‌محل هفت کچلون است آن بازاری قبول می‌کند ولی آن جوان به قولش عمل نمی‌کند و آن کاسب سریع برادرها می‌آید. آنها نه تنها پول آن کاسب را می‌پردازند بلکه به آن جوان کمک می‌کنند تا دوباره کاسبی راه بیندازد، چون او همه آن پول را خرج مادرش کرده بود.

حوالی رستوران شمشیری در سبزه میدان که می‌رسیم، محمد منبئی، قهوه‌خانه حاج شمشیری را یکی از پر مخاطب‌ترین قهوه‌خانه‌ها می‌داند و می‌گوید: «حسن خلق و خوش‌رفتاری حاجی شمشیری با طبقات مختلف مردم زیان‌زد بود و هرگز طبقات محروم جامعه را فراموش نکرد. علاوه بر آن رفتار او با یزدانستان و کارکنان خودش نیز بسیار خوب بود به طوری که برای کارکنان خود خانه خرید و دستمزد خوبی به آنها می‌داد. در نتیجه این رفتارها، کارکنان او نیز از جان و دل برایش کار می‌کردند و حافظ منافع و مطیع دستورات او بودند.»



به حوالی میدان هرندی، قهوه‌خانه معروف رمضون یخی می‌رسیم؛ قهوه‌خانه‌ای که در گذشته پاتوق چهره‌های سرشناس و بزرگان همچون تختی، طیب و... بود. حاج تقی اسماعیل پور و برادرانش شغلشان یخ‌فروشی بود به همین دلیل به او رمضون یخی هم می‌گفتند. تقی و حسین، از گردن کلفت‌های بنام تهران بودند، اما از زور بازوی خود برای دفاع از مظلوم استفاده می‌کردند؛ به طوری که هنوز هم، این قهوه‌خانه مأمین در راه‌مانده‌ها و کسانی است که برای رفع گرفتاری خود راهی اینجا می‌شوند.

نقاشی بزرگ و قدیمی‌ای از شاهنامه که با میخ به دیوار وصل شده و تلویزیون سیاه و سفید کوچک با ردیفی از قوری‌های قدیمی روی کاشی‌های سفید رنگ یکی از دیوارها، جا خوش کرده‌اند. آل‌عوض می‌گوید: «۲۰۲۰سال می‌شود که قهوه‌خانه رمضون یخی راه‌اندازی شده است. این قهوه‌خانه پاتوق طیب و طاهر... بوده و به نوعی گل‌ریزان، از همین‌جا شروع شد. اینجا پاتوق کارگرانی بود که در همان حوالی کاری برای خود دست و پا کرده بودند. گاهی هم نان و غذای صلواتی یا ارزاق قیمت میانشان توزیع می‌شد.»

گردشگران از دو لنگه در که به حیاط قهوه‌خانه باز می‌شود، می‌گذرند. مقابلشان فضایی است که با کبابه و تصاویر کشتی‌گیران به نام این قهوه‌خانه آراسته شده است. این بخش برای صاحب قهوه‌خانه و مستشرقان همیشگی‌اش عزیز است و حرمت دارد. همچنین عکس‌های قدیمی لوتی‌های تهران مانند طیب، حاج‌رضان و حاج عباس روی دیوارهای کاهگلی حیاط رنگ و رویی دیگر به این فضا داده است. قهوه‌چی قهوه‌خانه رمضون یخی می‌گوید: «این عکس مربوط به آشتی‌کنان رمضون یخی با غلام یکی از ۷برادر هفت کچلون است.»

آشتی‌کنان عیاران
گردشگران از دو لنگه در که به حیاط قهوه‌خانه باز می‌شود، می‌گذرند. مقابلشان فضایی است که با کبابه و تصاویر کشتی‌گیران به نام این قهوه‌خانه آراسته شده است. این بخش برای صاحب قهوه‌خانه و مستشرقان همیشگی‌اش عزیز است و حرمت دارد. همچنین عکس‌های قدیمی لوتی‌های تهران مانند طیب، حاج‌رضان و حاج عباس روی دیوارهای کاهگلی حیاط رنگ و رویی دیگر به این فضا داده است. قهوه‌چی قهوه‌خانه رمضون یخی می‌گوید: «این عکس مربوط به آشتی‌کنان رمضون یخی با غلام یکی از ۷برادر هفت کچلون است.»

